

بررسی بینامتنیت قرآنی در نسخه خطی دلگشنامه

رحیم سلامت آذر^۱
حسین نوین^۲
عسگر صلاحی^۳

چکیده

بینامتنی نوعی رویکرد زبان‌شناختی در حوزه نقد جدید در ادبیات است و به معنای ارتباط یک متن با متن قبل یا بعد از خود و یا بازآفرینی یک متن با توجه به متنی غایب است. این نظریه گرچه موضوعی جدید در نقد معاصر به شمار می‌آید ولی از دیرباز و به‌ویژه در متون اسلامی تحت عنوان تضمین، تلمیح و اشاره مطرح بوده است. بنابراین بررسی مضامین قرآنی شعر فارسی به‌ویژه با رهیافت بینامتنیت از اهمیت بالایی برخوردار است. منظومه دلگشنامه اثر میرزا ارجمند آزاد کشمیری، از ذخایر ارزشمند زبان فارسی است که بازخوانی و احیای آن می‌تواند در راستای کمک به بخشی از تاریخ اسلام، به‌ویژه تاریخ تشیع مؤثر باشد. در این مثنوی، حوادث کوفه بعد از واقعه خونین عاشورا تا شهادت مختار به نظم کشیده شده است. هدف از این پژوهش بررسی میزان تأثیرپذیری منظومه از قرآن کریم است. در این مقاله، به شیوه توصیفی-تحلیلی ضمن بررسی ویژگی‌های ساختاری و محتوایی دلگشنامه، با روش نقدی بینامتنی، میزان و چگونگی تأثیرپذیری قرآنی این اثر تحلیل شده است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که «آزاد» از انواع رابطه بینامتنی قرآنی بهره گرفته؛ ولی بسامد بینامتنی واژگانی (برآیند سازی و وام‌گیری) و اشاره‌ای از سایر انواع بینامتنیت در کلام او بیشتر و برجسته‌تر است.

کلیدواژه‌ها: بینامتنیت، ادبیات حماسی، منظومه دینی، دلگشنامه، مفاهیم قرآنی.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۲۲ تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۱۷ | DOI: 10.29252/PAQ.8.2.117

- ۱ - دانشجوی دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران. d.salamatazar@pnu.ac.ir
۲ - نویسنده مسؤل: دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران. DhN-novin@uma.ac.ir
۳ - دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران. A-salahi@uma.ac.ir

مقدمه

صورت‌گرایان روس، نخستین نظریه‌پردازانی بودند که موضوع «مناسبات میان متونی» را در نقد متون ادبی مطرح کردند. این بحث با مقاله‌ای از شک洛夫سکی با عنوان «هنر به مثابه تمهید» آغاز شد. او در این مقاله نشان داد که انگاره‌ها و تصاویری که شاعر به کار برده، تقریباً بی‌هیچ دگرگونی از اشعار دیگری وام گرفته است (میرزایی و واحدی، ۱۳۸۴: ۳۰۳). آن‌ها معتقد بودند که «میان تمامی تأثیرپذیری‌های هنری، تأثیری که متنی ادبی از متنی دیگر می‌گیرد مهم‌ترین است» (صفوی، ۱۳۷۶: ۱۷۶). پیش از کریستوا مباحثی درباره بینامتنیت با عناوین گوناگون وجود داشت؛ برای نمونه باختین از بزرگ‌ترین نظریه‌پردازان بینامتنیت است. آثار او که بعدها مورد نقد و تحلیل نظریه‌پردازانی چون کریستوا و تودوروف قرار گرفت، راهگشای بسیاری از مشکلات این نظریه شد.

باختین بر خلاف رولان بارت در صدد اعلام مرگ مؤلف نیست، «از نظر او، مؤلف هنوز در پس رمان خود ایستاده، اما به عنوان یک آوای مقتدرانه راهبر وارد اثر نمی‌شود» (آلن، ۱۳۸۹: ۴۳). رولان بارت در تعریف از متن می‌گوید: «واژه متن بر یک بافت در هم تنیده دلالت دارد. بنابراین متن منسوجی درهم تنیده از تار و پود «از پیش نوشته‌ها» و «از پیش خوانده‌ها» است» (همان: ۱۷). در واقع، بارت در این نظریه نوعی راه افراط را می‌پیماید و اعتقاد دارد که همه متن‌ها به نوعی نقل‌قول‌های دیگران هستند که علامت نقل قول را نگذاشته‌اند و قائل آن‌ها در متن، بی‌نام است» (شمیسا، ۱۳۷۸: ۳۵۹).

مفهوم بینامتنیت از جمله مفاهیمی است که به سختی می‌توان آن را در یک یا چند جمله به صورت خلاصه تعریف کرد، زیرا گستره وسیع آن سبب شده تا به فراخور حال، تعاریف گوناگونی از آن ارائه شود؛ اما به اختصار می‌توان گفت: «بینامتنیت، به وجود آمدن یک متن جدید از متون گذشته یا معاصر آن متن است، به گونه‌ای که متن تازه خلاصه‌ای از متون متعددی است که مرزهای آنها از میان رفته و سبک و سیاق تازه‌ای پیدا کرده است، به گونه‌ای که چیزی جز ماده اولیه از متون گذشته باقی نمانده، آن هم به صورتی که متن اصلی در متن جدید غایب است و تنها افراد خبره و اهل فن قادر به تشخیص آن خواهند بود» (عزام، ۲۰۰۱: ۲۹). شولز ضمن تأکید بر گوناگونی تعریف رابطه بینامتنی، بر این عقیده است که همان‌گونه که نشانه‌ها به نشانه‌هایی دیگر اشاره می‌کنند، هر متنی به متونی دیگر اشاره دارد. از این رو متن دخیل (پیش‌متن - hypertexte) متنی است که در متنی دیگر (پسامتن - hypotexte) نفوذ نموده تا مدلولاتی برابر را ترسیم نماید، خواه آگاهانه و خواه ناخودآگاه (عزیز ماضی،

۲۰۰۵: ۱۷۵-۱۷۶). از نظر گستره و حوزه نقد بینامتنی نیز می‌توان گفت: بینامتنی به بررسی نحوه حضور یک متن در متن دیگر می‌پردازد و با حذف مفاهیمی چون مؤلف، تاریخ و جامعه، متن را مستقل، ولی وابسته به متون دیگر در نظر می‌گیرد. (قائم‌ی و محقق‌ی، ۱۳۹۱: ۵۲).

بینامتنیت و نقد بینامتنی از جمله مباحث مهم نقد ادبی است که در عرصه‌های مختلف ادبی راه یافته است و پژوهش‌ها و آثار ارزشمندی را به خود اختصاص داده. نظریه‌پردازان مختلف هر یک از منظری به این مفهوم نگریسته‌اند و آن را در نقد متون مختلف به کار گرفته‌اند (روضاتیان و دیگران، ۱۳۹۰: ۹۰). این نظریه توسط ژولیا کریستوا، با الهام‌گیری و ترکیب نشانه‌شناسی سوسور و مکالمه-گرایی باختین ابداع شده و ارتباط متن‌های مختلف را باهم بررسی می‌کند. بررسی حضور متن غایب در متن حاضر به اشکال مستقیم و غیر مستقیم، از کارکردهای عملی این نظریه می‌باشد.

بیان مسأله

به دلیل جایگاه والای قرآن کریم به عنوان منبع وحی و سرچشمه لایزال الهی نزد مسلمانان، همواره تأثیرپذیری و ارتباط بینامتنی آثار و نوشته‌های مسلمانان با قرآن کریم از روی علاقه و کشش باطنی بوده است. آزاد نیز در حماسه دینی و مذهبی دلگشانامه با الهام از منبع فیض الهی و اعتقاد و خلوص به این مهم دست یازیده و به انواع رابطه بینامتنی با قرآن مبادرت کرده است. نگارندگان در این پژوهش کوشیده‌اند جلوه‌های آیات و اشارات قرآنی در حماسه تاریخی-دینی دلگشانامه و وجوه بینامتنیت آن‌ها را مورد بررسی قرار دهند. قرآن کریم به عنوان اساسی‌ترین محور آموزه‌های اسلامی، مهم‌ترین منبع الهام‌گر دینی نزد شاعران و ادیبان پارسی محسوب می‌شود. همواره شخصیت‌ها و قصص قرآنی، مضامین و درون‌مایه‌های سوره‌ها و آیات، ترکیبات و عبارات و واژگان قرآنی در ساختار نمادین، تمثیلی، تصریحی، تلمیحی و اشاره‌ای و ... الهام‌بخش شاعران و نویسندگان پارسی‌زبان واقع شده است. از جمله شاعرانی که در آثارش از این کتاب آسمانی در ابعاد گوناگون بهره گرفته است، آزاد کشمیری است. در این مقاله، سعی بر آن است با تکیه بر شیوه تحلیلی-توصیفی، ابعاد گوناگون اثرپذیری آزاد در منظومه حماسی-دینی دلگشانامه از قرآن کریم در قالب انواع رابطه بینامتنی بررسی شود. در ابتدا تعریف نظریه بینامتنیت و انواع گوناگون رابطه بینامتنی ذکر می‌شود و سپس مثنوی دلگشانامه با متن قرآن کریم مورد مقایسه قرار می‌گیرد و انواع رابطه بینامتنی میان این منظومه و قرآن کریم در ابعاد چگونگی کاربرد و سطح بسامد، نقد و تحلیل می‌شود.

سؤال اصلی پژوهش

در این پژوهش به سؤالات زیر پاسخ داده شده است:

- ۱- آزاد در دلگشنامه از چه شگردهایی برای روابط بینامتنی قرآنی بهره برده است؟
- ۲- نحوه ورود مفاهیم قرآنی و میزان تأثیرپذیری شاعر از این کتاب آسمانی چگونه است؟

ضرورت تحقیق

زبان فارسی در شبه قاره مدت‌های طولانی زبان رسمی آن سرزمین بوده است و بزرگان زیادی در آن دیار آثار ماندگاری از خود به یادگار گذاشته‌اند و فراوانی نسخ خطی زبان فارسی در این کشورها گواه بر این ادعاست. بنابراین بررسی دلگشنامه از ابعاد مختلف در راستای معرفی آثار ادبیات فارسی در شبه قاره درخور توجه و پژوهش است.

اهداف تحقیق

بررسی میزان اثرپذیری دلگشنامه از آموزه‌های قرآنی
بررسی و تحلیل آماری انواع رابطه بینامتنی قرآنی در این اثر
تحلیل میزان موفقیت شاعر در بهره‌گیری از قرآن کریم در بعد لفظی و مفهومی

روش تحقیق

این مقاله بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی - تحلیلی انجام شده است.

پیشینه

با توجه به وسعت تأثیر قرآن کریم و آموزه‌های دینی - اسلامی در ادب فارسی و عربی، پژوهش‌های درخور توجهی در باب این اثرگذاری انجام گرفته و مقالات شایان ذکری در این مورد نگاشته شده است ولی با وجود پژوهش‌های ارزنده در زمینه بینامتنیت تا کنون پژوهشی درباره دلگشنامه صورت نگرفته است چراکه این اثر به تازگی توسط نگارنده تصحیح شده است؛ تنها به صورت گذرا در کتب تاریخ ادبیات در ایران (صفا، ج ۵، ۱۵۱۵)، تاریخ ادبیات فارسی (هرمان‌آه، ترجمه رضازاده شفق، ۶۱)، حماسه‌سرایی در ایران (صفا، ۳۸۹ و ۳۹۰)، نام‌شناخت توصیفی منظومه‌های دینی فارسی (راشد محصل، ۹۳)، معرفی و بررسی اجمالی منظومه‌های حماسی تاریخی و دینی دوره صفوی (زنگی‌آبادی، ۲۰۷)، بررسی سبک‌شناسانه حماسه‌های دینی در ادب پارسی (شمشیرگرا، ۱۳۸)، قلمرو ادبیات حماسی ایران (رزمجو، ۲۶۱)، و فهارس نسخ خطی به این اثر اشاره گردیده است.

ویژگی‌های ساختاری و محتوایی دلگشنامه

دلگشنامه از میرزا ارجمند آزاد کشمیری یکی از آثار برجسته زبان فارسی است که در زمینه تاریخ تشیع در قالب مثنوی و بحر «مقارب مثنی محذوف (مقصور)» سروده شده است. این منظومه ۱۵۴۴۰ بیت شعر دارد. سرایش این اثر در سال ۱۱۳۱ قمری شروع شده و به مدت شش سال طول کشیده است. از نظر محتوا و مضمون جنبه حماسی، تاریخی، دینی و مذهبی دارد. «وجه تسمیه دلگشنامه، بدان جهت است که به واسطه انتقامی که مختار، از مسببین واقعه غم‌انگیز کربلا و شهادت امام حسین (ع) و یاران او، در روز عاشورای ۶۱ هـ. ق. می‌گیرد، دل شیعیان، از خواندن این منظومه، گشاده و شادمان می‌شود.» (رزمجو، ۱۳۸۱: ۲۶۱) شاعر در این منظومه بعد از تحمیدیه و نعت حضرت رسول و ائمه معصومین علیهما السلام در سه محور اساسی بر اساس روایات تاریخی اشعار خود را پیش برده است: خروج عبدالله عقیف و جنگ‌های پیاپی با عبیدالله زیاد و اعدای دین، قیام سلیمان صرد خزاعی، قیام مختار و شهادت ایشان که در اثنای کلام حوادث دیگر تاریخ اسلام در آن سال‌ها از جمله مرگ یزید، ماجرای پیوستن مختار به زبیریان و ... را به نظم کشیده است.

بازتاب اعتقادات و باورهای مذهبی سراینده و ابراز صداقت و دوستی راستین با اهل بیت و یاران و دوستداران و شیعیان در جای‌جای اثر مشهود است؛ برخلاف حماسه‌های ملی شاعران حماسه‌های دینی از هر فرصتی برای بیان و نشان دادن اعتقادات دینی و مذهبی خود استفاده می‌کنند و آزاد نیز به خوبی از زبان شعر برای بیان اعتقاد عمیق خویش در باب راستی آیین برگزیده خود و برتری بزرگان سپاه حق بر سپاه باطل بهره جسته است.

بررسی زبان منظومه حماسی دلگشنامه از نظر سبک شناسی حاکی از آن است که این منظومه بر خلاف شاهنامه فردوسی بنا به اقتضای دینی و مذهبی بودن آن، از واژگان عربی متداول در زبان فارسی و اصطلاحات دینی، بیشترین استفاده را کرده است.

دلگشنامه، حوادث کوفه بعد از واقعه عاشورا تا شهادت مختار را شامل می‌شود؛ هرچند پایان رویدادها غم‌انگیز و دردناک است، با این حال شاعر با آوردن اشعاری در بی‌اعتباری دنیا به خواننده

گوشزد می‌کند که به زر و زیور دنیا دل نبندد و کوشش خود را در طهارت روح و صفای نفس صرف کند. ذکر منقبت و بزرگی‌های ائمه و حوادث کوفه بعد از عاشورا، توصیف جزئی و دقیق صحنه‌های نبرد حق و باطل، آوردن ساقی‌نامه‌های متعدد در لابلاي متن حماسی، بیان اندیشه‌های حکیمانه، آمیختگی فرهنگ ایرانی - اسلامی در بیان حماسی، شجاعت، مفاخره و رجزخوانی، نام‌خواهی و نام - پوشی، کین‌خواهی، بزم و رزم، و ... از جمله ویژگی‌ها و درون‌مایه‌های بارز این اثر حماسی است.

بینامتنیت قرآنی در دلگشاناامه آزاد کشمیری

۱- بینامتنیت واژگانی

در این شیوه، شاعر و یا نویسنده در به‌کارگیری برخی واژه‌ها و فعل‌ها و ترکیب‌ها وام‌دار متنی و یا اثری دیگر است (راستگو، ۱۳۸۵: ۱۵) که در متن غایب و در اینجا قرآن کریم، این واژگان بسیار پربسامد است، به گونه‌ای که می‌توان آن واژه‌ها را مختص متن غایب یا همان پیش‌متن دانست. بینامتنیت قرآنی را به سه نوع برآیندسازی، وام‌گیری و ترجمه تقسیم کرده‌اند.

الف- برآیندسازی

در این شیوه، واژه و یا بخشی از ترکیب قرآنی، به شکلی غیر قرآنی و اصلی آن و به گونه‌ای تغییر یافته از اصل و بر پایه مفهوم و دلالت کلی آن به کار می‌رود و در واقع نوعی برآیند و فرآورده از پیش‌متن - قرآن کریم - می‌باشد (همان: ۱۸) به نحوی که تنها پس از عمیق شدن، برای خواننده مشخص گردد که اصل این واژه و یا عبارت قرآنی است؛ واژه‌های احباب، اختتام، مقتدا، اظهار، ملک سلیمان، اختلاف و مانند آن‌ها نشانگر آن است که این نوع رابطه بینامتنی با توجه به محتوای مذهبی و دینی اثر از پربسامدترین انواع بینامتنی در حماسه دلگشاناامه محسوب می‌شود. برخی از واژه‌ها و ترکیبات برآیندسازی شده از قرآن کریم در جدول زیر آمده است:

واژه/ عبارت	کاربرد در دلگشانامه	استعمال در قرآن	توضیحات
طور	شعله کوه طور (ب) ۹۲۱۵، (۹۸۴۶، ۱۲۴۰۶)	...ءَأَنَسَ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ ناراً...: قصص/ ۲۸	
عصای موسی (کلیم)	ب ۴۶۳۸ (تشبیه نیزه جان‌رُبا به عصای موسی که در دست آن حضرت به اژدها تبدیل شد)، (۷۱۴۶، ۱۲۶۵۳)	آیات ۱۷ تا ۲۱ سوره طه	
روز حشر	ب ۸۱۷۹، ۱۰۰۱	وَ يَوْمَ يُحْشَرُ أَعْدَاءُ اللَّهِ: فصلت/ ۱۹	
روز محشر	ب ۷۵۹، ۴۲۰۹، ۵۶۲۴، ۷۳۱۵، ۸۶۵۲، ۹۵۲۱، ۱۱۲۵۱، ۱۳۵۵۵، ۱۴۷۳۴، ۱۳۵۵۷	وَ يَوْمَ يُحْشَرُ أَعْدَاءُ اللَّهِ: فصلت/ ۱۹	
آتش ابراهیم	ب ۵۴۲۶، ۱۰۵۹۴، ۱۱۲۳۴، ۱۱۳۵۵	قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا و سَلامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ: انبیاء/ ۶۹	شاعر بیشتر لقب «خلیل» را ذکر کرده و با ابراهیم بن مالک اشتر ایهام تناسب ساخته است.
مسیح دم	ب ۴۸۰۹ جان مسیحا، ۵۲۷۱ مسیحا نفس، ۱۱۵۱۹	سوره مائده/ ۱۱۰	
عظم ریمیم	ب ۲۰۵۰	...مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَ هِيَ رَوِیْمٌ یَس / ۷۸	
خلافت	ب ۱۲۲، ۶۴۹۷، ۶۵۰۰، ۶۵۰۷، ۷۵۹۳، ۸۱۱۶، ۹۷۹۱، ۱۰۱۸۸، ۱۰۲۰۷	خليفة: بقره/ ۳۰	
محرّم	ب ۱۹۴۴، ۲۹۷۴، ۵۰۴۰، ۵۳۵۶، ۸۶۰۲، ۹۸۰۰، ۱۰۲۵۰، ۱۲۸۰۸، ۱۳۰۲۷، ۱۴۹۳۱	حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ: امهاتکم و ... (اشخاصی که برای انسان محرم هستند، مادر و دختر و خواهر و ... را بیان می‌کند).	

سرافراز مردان به پشتِ ستور سنان‌ها به کف، شعله کوه طور

(آزاد، ۱۱۸۴ هـ، بیت ۹۲۱۵)

به کف نیزه جان‌ربا را گرفت چو موسی عصا، اژدها را گرفت

(همان، بیت ۴۶۳۸)

تو گویی که شد روزِ حشر آشکار شبِ تیره از شعله زنگبار

(همان، بیت ۱۰۰۱)

در آتش چو تن داد بی‌قال و قیل گلستان شد آن از برای خلیل

(همان، بیت ۵۴۲۶)

یکی کوشکی بود کارِ قدیم ز خسرو دران، همچو عظمِ رمیم

(همان، بیت ۱۴۳۳۸)

چو سلا سکندر صف آراستند ز چارآیینه مدعا خواستند

(همان، بیت ۱۴۳۳۸)

عبارت «سد سکندر» برساخته و برآیندی است از داستان ذوالقرنین و ساختن سد برای مردمی که از ظلم یا جوج و مأجوج به ستوه آمده بودند. به این سد، سد یا جوج و مأجوج و سد ذوالقرنین نیز گویند. چون اسکندر به حد مشرق رسید راه گذر میان دو کوه بود و ذوالقرنین با ایشان نیکویی کرد. مردم آن‌جا قصد خویش بگفتند که یا جوج و مأجوج به زمین ما فساد می‌کنند و ما با ایشان بر نمی‌آییم، قوله تعالی: یا ذا القرنین ان یا جوج و مأجوج مفسدون فی الارض. (قرآن ۹۴/۱۸). و گفتند ما خراج بدهیم ترا تا میان ما و ایشان سدی بکنی که ایشان نیز پیش ما نیایند. ذوالقرنین گفت خدای تعالی مملکت مشرق و مغرب به من داده است و مرا خود ساختن این سد به از همه مملکت دنیا و هدیه شماست... (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۹: ۱۳۵۱۸)

دوید و درِ مصرِ زندان گشاد نظر بر عزیزِ خودش اوفناد

زبان را به حمدِ خدا، ساز کرد به سرپنجه زو بندها باز کرد

رهانید جان را ز بیت‌الحزن درآمد ازین هر دو جان در دو تن

(آزاد، ۱۱۸۴ هـ، ابیات ۵۴۲ الی ۵۴۴)

عبارت «مصر زندان»، «عزیز» و «بیت‌ال‌حزن» برآیند و بر ساخته‌ای از داستان قرآنی حضرت یوسف (ع) و حضرت یعقوب (ع) در سوره یوسف است که حضرت یعقوب در فراق فرزندش به این کلبه پناه برد و تا رسیدن خبر زنده بودن حضرت یوسف (ع) در آنجا ماند و در فراق او روشنایی چشمانش را از دست داد از این رو این کلبه به بیت‌ال‌حزن یا بیت‌ال‌احزان لقب یافت، هر چند که در قرآن کریم نامی از کلبه احزان نیامده است؛ هم‌چنین شاعر با تبحر تمام از «عبدالله عقیفِ نابینا» به نابینا شدن «یعقوب نبی» خیال‌انگیزی کرده است.

به تصویر، جان می‌دهد خامه‌ام مسیحا نیم، صاحبِ نامه‌ام

(همان، بیت ۲۹۴۱)

در این بیت شاعر با کاربرد عبارت‌های «جان دادن» و «مسیحا» برآیندسازی کرده است از قرآن کریم در موضوع معجزه حضرت مسیح (ع) مبنی بر زنده کردن مردگان توسط آن حضرت به اراده خداوند. «این عبارت یکی از پرکاربردترین عبارات برآیندسازی شده در ادب فارسی است که اکثر شاعران به مناسبت در شعر خویش از آن بهره برده‌اند. (راشد محصل، ۱۳۸۹: ۲۵۲)

عین این واژگان یا ترکیب‌ها در قرآن کریم نیامده ولی فرآورده و برآیند جدیدی است که به طور قطع از واژه‌های موجود در متن قرآن کریم به وجود آمده است.

ب- وام‌گیری

در این روش، شاعر بدون ایجاد تغییر در ساختار واژه و یا عبارت پیش‌متن در اینجا قرآن کریم و یا ایجاد تغییراتی اندک، رابطه‌ای بینامتنی واژگانی با قرآن کریم برقرار ساخته است. به جهت آمیختگی واژگان زبان عربی با زبان فارسی و همچنین اشتراکات دینی و مذهبی ایرانیان با اعراب، قرآن کریم به این شیوه و به صورت وام‌گیری جلوه‌های زیادی در نظم و نثر فارسی داشته است؛ حماسه دلگشانامه نیز بنا به اقتضای دینی بودن آن از این امر مستثنی نیست، به گونه‌ای که اکثر ابیات این حماسه سرشار از واژگان و عبارات قرآنی است که بدون تغییر در ساختار و شکل عربی، آن‌ها را استعمال کرده است. از آن نمونه می‌توان اسامی پیامبران و شخصیت‌های قرآنی و دینی، صفات خداوند، واژه‌ها و ترکیبات فقهی و اسلامی مانند: لیل و نهار، خالق، عرش، فرش، رحیم، غفار، فضل، آفاق، اخی، کاذب مفتری، تفاعر، توکل، لیلۃ‌القدر، سلسبیل، کفاره و ... را نام برد.

با توجه به مثال‌های مذکور، بسامد بالای کلمات و ترکیبات قرآنی و همچنین تأثیرپذیری زیاد این منظومه از قرآن کریم حائز اهمیت است به طوری که در بعضی ابیات چند تا کلمه قرآنی را پیایی آورده است:

پس از حملِ خلاقِ ارض و سما به پاسخ چنین نامه کرد ابتدا

(آزاد، ۱۱۸۴ هـ، بیت ۱۴۹۷۹)

توانگر به زر کرد درویش را ز فکرِ زکات عاجز آمد گدا

(همان، بیت ۱۱۹۹۵)

در قرآن کریم واژه زکات به همراه مشتقاتش ۵۹ مرتبه در ۲۹ سوره و ۵۶ آیه به کار رفته، که ۲۷ مورد در کنار نماز ذکر شده است. «... وَ أَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَ آتِينَ الزَّكَاةَ وَ اطَّعْنَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ...». (القرآن / ۳۳، الاحزاب / ۳۳)

بشوید ز روی کرم حور عین چو مادر تنش گر به ماء معین

(آزاد، ۱۱۸۴ هـ، بیت ۸۸۳۴)

«وَ حُورٌ عِینٌ» (القرآن / ۵۶، الواقعة / ۲۲)، «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ». (القرآن / ۶۷، الملک / ۳۰) قسمتی از ترکیبات و واژه‌هایی که به صورت وام‌گیری واژگانی با قرآن رابطه بینامتنی برقرار کرده است در جدول زیر نشان داده می‌شود.

واژه/ عبارت	کاربرد در دلگشاناامه	استعمال در قرآن	توضیحات
طور	ب ۷۵، ۴۱۱۸، ۶۶۰۶، ۸۴۸۸	...ءَأَنسَ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ نَاراً ...: قصص / ۲۸ و طور / ۱	کلمه «طور» در این اثر غیر از معنی مذکور، بیشتر در معنی «هیأت و چگونگی» بکار رفته که هدف این پژوهش نیست.
نار جهنم	ب ۵۱۳۷	... فی نارِ جهنم: توبه / ۳۵، ۸۱، ۱۰۹ و طور / ۱۳، بینه / ۶	

خلیفه	ب ۸۱۴۶، ۸۱۷۱، ۸۱۹۱ ۸۲۰۵، ۸۲۲۷، ۸۶۰۹	بقره / ۳۰
فتنه	ب ۳۳۸، ۴۶۷، ۴۷۰، ۴۸۱، ۷۶۰، ۱۰۴۸، ۱۰۹۱، ۱۲۸۵ و ...	۳۰ مورد از جمله: بقره / ۱۰۲، ۱۹۱، ۱۹۳ و ...
خَرَم	ب ۱۳۳۳۹، ۱۳۳۷۱، ۱۳۳۷۷، ۱۳۴۲۲، ۱۳۴۳۹	خَرَم: مائده ۱ و ۹۵
حور عین	ب ۸۸۳۴	وَ حُورٌ عِیْنٌ: واقعه / ۲۲

از جمله موارد استفاده روش وام‌گیری تأثیرپذیری شاعر از داستان‌های قرآنی و اسامی پیامبران

است، مانند:

کجا رفت حوا و آدم کجاست کز آدم کند یاد، آدم کجاست
(آزاد، ۱۱۸۴ هـ، بیت ۱۵۳۱۵)

شاعر با کاربرد جناس تام و قصه قرآنی «آدم و حوا» بی‌اعتباری و ناپایداری دنیا را به انسان یادآور می‌شود.

بود هرکه در حفظِ ربّ جلیل گُل از نار بر سرزند چون خلیل
(آزاد، ۱۱۸۴ هـ، بیت ۱۱۳۵۵)

اشاره است به سرگذشت در آتش افکندن ابراهیم به فرمان نمرود. قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا و سَلَامًا
عَلَىٰ اِبْرَاهِیْمَ. (القرآن / ۲۱، الانبیاء / ۶۹) (پس او را در آتش افکندند) گفتیم: ای آتش! بر ابراهیم سرد و
بی‌آسیب باش! (انصاریان، ۱۳۹۴: ۳۲۷)

ج- ترجمه

در این نوع، شاعر ترجمه و برگردان واژه و یا عبارتی قرآنی را در شعرش به کار می‌برد. «هرگاه خالق اثر ادبی از گردانیده فارسی یا پارسی شده واژه یا ترکیبی از متن غایب بهره گیرد، ارتباطی بینامتنی بین متون حاضر و غایب ایجاد می‌شود که بدان ارتباط بینامتنی واژگانی ترجمه گوئیم. واژه نماز، همان صلاة قرآن می‌باشد، راح حق ترجمه سبیل الله، بندگی و رب‌پرستی، ترجمه عبادت، شکرانه، ترجمه شکرًا، دوزخ فارسی جهنم و ... در شاخه ترجمه از بینامتنیت واژگانی قرآن کریم

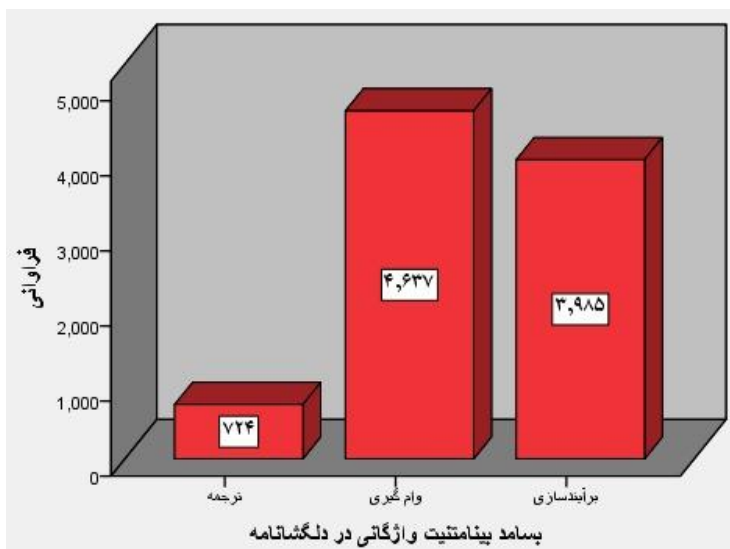
است» (ر.ک: راستگو، ۱۳۸۵: ۱۷). یافتن این نوع رابطه بینامتنی تا حدودی سخت‌تر از نوع وام‌گیری است. در واقع می‌توان گفت مواردی که واژه‌ای عیناً از قرآن استفاده شده ولی با زبانی دیگر، ترجمه آن واژه آمده باشد، در تقسیم‌بندی ترجمه قرار می‌گیرد. برخی از واژه‌ها و ترکیب‌های ترجمه شده از قرآن کریم در جدول زیر ذکر می‌شود:

واژه / عبارت	کاربرد در دلگشنامه	استعمال در قرآن
دیوِ رجیم	ب ۳۵۸۹، ۶۰۵۷، ۹۱۰۶، ۱۱۸۱۱، ۱۲۷۵۹	نحل / ۹۸: فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنْ - الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
بهشت	۳۴ مورد	جَنَّةٌ - جنات (بیش از ۱۳۰ مورد)
گناه	۲۵ مورد	اِثْمٌ ۳۵ و سَيِّئَةٌ ۳۲ مورد
نماز	۲۳ مورد	صَلَاةٌ (۶۶ مورد)
فردوس	۶ مورد	جَنَّت (۶۶ مورد)
پیشوا	۱۶ مورد	امام (۷ مورد)
دوزخ	۱۸ مورد	جَهَنَّمَ (۷۷ مورد)

هوایِ بهشت است در سر مرا

که ای جان‌فشانانِ آل عبا

(آزاد، ۱۱۸۴ هـ، بیت ۶۷۴۵)



۲- بینامتنیت گزاره‌ای یا متنی

الف- بینامتنیت کامل متنی

در این نوع، تکیه بر متن کامل و مستقل است و دقیقاً همان متن اصلی بدون افزایش و یا کم و کاستی در سیاق اولیه و اصلی‌اش توسط آفریننده متن حاضر (پسا متن) به کار می‌رود. خواه این متن یک بیت باشد یا یک مصراع یا یک قصیده و یا جمله‌ای نثری (طعمه‌حلبی، ۲۰۰۷: ۶۲۱). این نوع رابطه بینامتنی در حقیقت همان اقتباس و تضمین بدون ذکر مرجع کلام اخذ شده است که در آن عبارتی از قرآن، شعر، نثر و یا هر اثر دیگر، بی‌هیچ دگرگونی و یا مقداری تغییرات بسیار اندک با اهدافی مانند: غنابخشی به کلام، تبرک، تبیین، توضیح، تعلیل، استناد، نکته‌پردازی و ... در میان کلام جای داده شود (راستگو، ۱۳۸۵: ۳۰). تفاوت اقتباس و تلمیح را این‌گونه ذکر کرده‌اند: «فرق اقتباس و تلمیح در این است که تلمیح عبارت از این است که در ضمن کلام اشارتی لطیف به آیه قرآن یا حدیث یا مثل سایر یا داستان یا شعری معروف کنند ولی عین آن را نیاورند، اما در اقتباس شرط است که عین عبارت مورد نظر درج، یا قسمتی از آن را که حاکی و دلیل بر تمام جمله اقتباس شده باشد بیاورند». (حلبی، ۱۳۸۹: ۷۰). آزاد در دلگشانامه از این نوع رابطه بینامتنی به خوبی در اشعارش بهره جسته و در مواردی تغییراتی اندک در متن آیه اعمال کرده است.

قرآن کریم (متن غایب - پیش متن): «... إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً». (القرآن / ۳۳، الاحزاب / ۳۳)
دلگشانامه (پسامتن - متن حاضر):

نظام دو عالم ازین پنج گنج بود، گر جواهرشناسی بسنج
که هر یک جدا گنج جود و سخاست به صدق کلام دلیل انماست
(آزاد، ۱۱۸۴ هـ، ابیات ۱۰۵۵۰ و ۱۰۵۵۱)

شاعر در نعت پنج تن آل عبا از عبارت قرآنی «انما» و قسمتی از آیه تطهیر استفاده کرده است.
قرآن کریم (متن غایب - پیش متن): کَفَى، کافی است. (عادل، ۱۳۷۵: ۲ / ۱۰۵۶) مقتبس از آیه شریفه: وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِأَعْدَائِكُمْ وَ كَفَى بِاللَّهِ وَلِيًّا وَ كَفَى بِاللَّهِ نَصِيرًا. (القرآن / ۴، النساء / ۴۵)
دلگشانامه (پسامتن - متن حاضر):

شاعر در سه بیت از فعل قرآنی «کفی» بهره جسته و رابطه کامل متنی برقرار ساخته است.
غبارِ رو آل خیرالانام کفی خط آزادیم والسلام
چه غم نقدِ جانم رود گر ز کف کفی گوهر مهره شاه نجف
نباشد غرض چترِ شاهی مرا کفی ظلِ لطف الهی مرا
(آزاد، ۱۱۸۴ هـ، ابیات ۴۰۵۲، ۴۹۰۷ و ۹۷۱۹)

قرآن کریم (متن غایب - پیش متن): حَىُّ الَّذِي لَا يَمُوتُ: مقتبس است از آیه شریفه: «وَتَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَ سَبِّحْ بِحَمْدِهِ وَ كَفَى بِهِ بَدُنُوبٍ عِبَادَهُ خَبِيرًا» (قرآن / ۲۵، الفرقان / ۵۸)
دلگشانامه (پسامتن - متن حاضر):

شاعر در توصیف زنده و نامیرا بودن خداوند با قرآن رابطه بینامتنی برقرار کرده است.
جهان‌آفرین نیست محتاج قوت ازان گشت حیّ الذی لایموت
(آزاد، ۱۱۸۴ هـ، بیت ۹۵۵۱)

قرآن کریم (متن غایب - پیش متن): «حمد» منظور سوره حمد و قسمتی از آیه «الحمد لله رب العالمین» و النازعات: هفتادونهمین سوره قرآن مجید، مکیه و آن ۴۶ آیت است و آغازش این آیه: و النازعات غرقا. (دهخدا، ۱۳۷۷: ۵ / ۲۳۱۱۵) اعمی: نایبنا. در رکعت اول بعد از حمد سوره «عبس» را خواند. عَبَسَ وَ تَوَلَّى * أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمَى. (القرآن / ۸۰، عبس / ۲-۱)

به اعمی زبان، کورِ باطن گشاد دویم خواند زلزال و دارم به یاد
روان بر زبانم چو آبِ حیات شد اول پس از حمد، والنازعات
(آزاد، ۱۱۸۴ هـ، بیت ۸۹۷۲ و ۸۹۷۶)

معمولاً در نماز با سوره حمد، سوره اخلاص را می‌خوانند و در این دو بیت مختار در خروج خود فردی را مأمور کرده بود که در نماز جماعت که امیر کوفه عبدالله ابن مطیع پیش‌نماز است حاضر شود و خطبه‌های او را به گوش بسپارد؛ مأمور به مختار گزارش می‌دهد که ابن مطیع بعد از حمد این سوره‌ها را در رکعت‌های نماز قرائت کرد و مختار قرائت این سوره‌ها را به فال نیک می‌گیرد و می‌گوید که در قیام پیروز خواهیم شد.

قرآن کریم (متن غایب- پیش متن): الست، جمله استفهامی عربی است یعنی: آیا نیستم. و این جمله برگرفته از آیه ۷۲ سوره اعراف و آن آیه چنین است: و إِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ أَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ: الستُ بربکم؟ چون پروردگارت از پشت بنی‌آدم فرزندان‌شان را پدید آورد ایشان را به گواهی گرفت و چنین پرسید: آیا من پروردگار شما نیستم؟ - قالوا بلی شهدنا ان تقولوا یوم‌القیامه انا کنا عن هذا غافلین.

دلگشانامه (پسامتن- متن حاضر):

نه زان می که مخمور و مستم کند ازان می که مستِ الستم کند
(آزاد، ۱۱۸۴ هـ، بیت ۳۷۱)

پیمان الست همواره در اشعار شاعران از بسامد بالایی برخوردار است و کمتر شاعری یا نویسنده‌ای را می‌توان یافت که از این عبارت قرآنی بهره نگرفته باشد.

قرآن کریم (متن غایب- پیش متن): هل اتی: هل اتا، آیه نخستین سوره الدهر، هفتاد و ششمین سوره قرآن کریم است که چنین آغاز می‌شود: هل اتی علی‌الانسان حین من الدهر لم یکن شیئاً مذکوراً؟ دلگشانامه (پسامتن- متن حاضر):

بتول است زان پس مرادِ خدا یقین دارم از سوره هل اتا
(آزاد، ۱۱۸۴ هـ، بیت ۱۵۵)

شاعر در این بیت به جایگاه اهل بیت و آیه هشتم این سوره «وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا» اشاره دارد که بنا بر نظر مفسران شیعه و برخی از اهل سنت، در شأن حضرت علی (ع)، فاطمه زهرا (س)، حسنین (ع) و کنیز آنان فضه نازل شده است. ایشان سه روز پیایی به نذرشان بر روزه گرفتن این روزها وفا کردند و با اینکه خود گرسنه بودند، غذای افطار خود را به مسکین و یتیم و اسیر بخشیدند.

قرآن کریم (متن غایب - پیش متن): «كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ». (القرآن / ۱۰۲، التكاثر / ۵)
دلگشاناامه (پسامتن - متن حاضر):

در آتش بود جاییت ای بدکنشت ز علم‌الیقین چون نبی در بهشت

(آزاد، ۱۱۸۴ هـ، بیت ۵۱۷۷)

شاعر از زبان کثیر معلم که حامل نامه مختار به عبدالله ابن عمر هست به عبیدالله ابن زیاد می‌گوید یقین دارم همانطور که پیامبر در بهشت است جایگاه تو نیز در آتش دوزخ خواهد بود.

ب- بینامتنیت کامل تعدیلی

در این نوع، شاعر به متنی مستقل و کامل تکیه دارد. او این متن را از سیاقش جدا کرده و بعد از اعمال برخی ساختارشکنی‌های ساده و یا پیچیده، همچون کم و زیاد نمودن، مقدم و مؤخر نمودن اجزاء، تغییر زمان و صیغه افعال، تبدیل جملات انشایی به خبری و برعکس آن متن را درون متن شعری خویش می‌نهد و از آن جهت بیان اندیشه شعری جدید بهره می‌برد (طعمه‌حلی، ۲۰۰۷: ۶۴). مؤلف دلگشاناامه نیز جملاتی از قرآن کریم را با مقداری تغییر و ساختارشکنی آورده است.

قرآن کریم (متن غایب - پیش متن): «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» که در آغاز سوره‌های قرآن (غیر از سوره توبه) و در سوره نمل / ۲۹ علاوه بر آغاز سوره در آیه ۳۰: «إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» ذکر شده از جمله آیاتی است که بسیاری از شاعران - غالباً با هدف تینم و تبرک - در ابتدای اثر خود و برای استشهاد از آن بهره برده‌اند.

شاعر در چند بیت از این اثر ضمن بهره‌گیری از «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» آن را تعدیل کرده و به صورت «بِسمَل» بکار برده است. بِسْمَل: هر حیوانی که آن را ذبح کرده و سر بریده باشند و یا به شمشیر کشته باشند. وجه تسمیه‌اش آن است که در وقت ذبح کردن «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» گویند (معین، ۱۳۸۷: ۲۱۱). نیم‌کشته. (محقق، ۱۳۷۴: ۱۳۷)

وگر هست فکرِ دغا با منت به خون غرقه بینی چو بسمل تنت

(آزاد، ۱۱۸۴ هـ، بیت ۱۰۱۷۲)

قرآن کریم (متن غایب- پیش متن): كُنْ فَكَانَ: موجود باش! پس موجود شد. (عادل، ۱۳۷۵: ۱/۱۰۹۷)
بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ (القرآن/ ۲، البقرة/ ۱۱۷) و «یس/ ۸۲»
دلگشانامه (پسامتن- متن حاضر):

آزاد در ادامه با ایجاد رابطه بینامتنی تعدیلی با آیه ۸۲ سوره یس و ۱۱۷ سوره بقره اراده خود در سرودن دلگشانامه را از جانب خالقِ کن فکان دانسته است.

به رویم درِ گلشنِ داستان گشاد هم‌چنین خالقِ کن فکان

(آزاد، ۱۱۸۴ هـ، بیت ۸۲۵۱)

قرآن کریم (متن غایب- پیش متن): حمدالله: خدا را سپاس. «حَمْدًا لِلَّهِ سِتَائِشِي لِأَجْلِ خِدَاسْتِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ». (عادل، ۱۳۷۵: ۱/۵۴۵)

دلگشانامه (پسامتن- متن حاضر): شاعر با تعدیل و حذف «ال» و «رب العالمین» حمدالله با آیه دوم سوره حمد قرآن کریم رابطه بینامتنی تعدیلی برقرار کرده است.

به حمدالله شاکی ازان نیستم که منت‌کشِ دشمنان نیستم

(آزاد، ۱۱۸۴ هـ، بیت ۷۹۱۴)

قرآن کریم (متن غایب- پیش متن): وَ ضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَ نَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَ هِيَ رَمِيمٌ
(القرآن/ ۳۶، یس/ ۷۸)

دلگشانامه (پسامتن- متن حاضر):

یکی کوشکی بود کار قدیم ز خسرو دران هم‌چو عظمِ رمیم

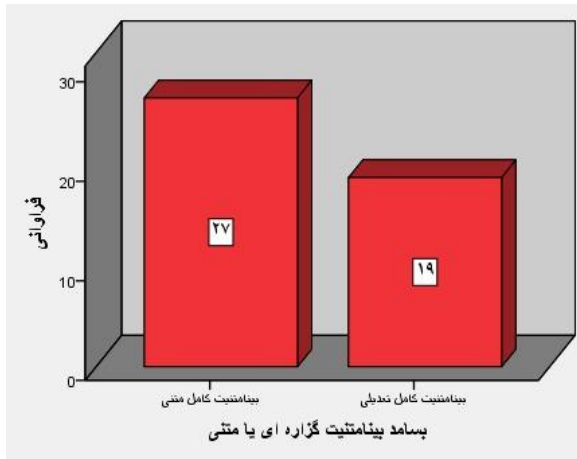
(آزاد، ۱۱۸۴ هـ، بیت ۲۰۵۰)

عظمِ رمیم: استخوانِ پوسیده. شاعر با رابطه بینامتنی تعدیلی با آیه ۷۸ سوره «یس» کاخ خرابه‌ای را که استخوان خسرو آن پوسیده با تعبیر قرآنی عظامِ رمیم آورده ولی در آن دخل و تصرف کرده است.

قرآن کریم (متن غایب- پیش متن): قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ: بگو به پروردگار سپیده‌دم پناه می‌برم.
(القرآن/ ۱۱۳، الفلق/ ۱)

دلگشانامه (پسامتن- متن حاضر):

بگفتا ستایش به ربّ فلق نهان سازِ باطل، عیان سازِ حق
(آزاد، ۱۱۸۴ هـ، بیت ۳۸۴)



۳- بینامتنیت الهامی

در این نوع رابطه بینامتنی، شاعر اصل و مایه اصلی سخن خویش را از نکته‌ای و یا مفهومی می‌گیرد و در پردازش سخن به گونه‌ای عمل می‌کند که خواننده آگاه به متن غایب پس از خواندن آن پیوند مفهومی و مضمونی میان زیرمتن و زیرمتن احساس نماید. از این الهام‌گیری قرآن کریم گاه از چند آیه یا یک آیه و یا بخشی از آیه صورت می‌گیرد. در این نوع اشاره آشکار و صریحی به متن غایب نمی‌شود (طعمه‌حلبی، ۲۰۰۷: ۷۲-۷۳). آزاد در مواردی، درونمایه‌ها و مضامین شعری‌اش را از قرآن کریم الهام گرفته است، مانند:

به حقِ خداوندِ بالا و پست که وصفِ محمد به توریت هست

(آزاد، ۱۱۸۴ هـ، بیت ۱۰۲۰۰)

مصراع دوم به ذکر نشانه‌های حضرت محمد (ص) در تورات و انجیل تلمیح دارد. آن‌گونه که در قرآن کریم آمده است: «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ...» (القرآن / ۷، الاعراف / ۱۵۷)

ستم‌پیشگان زان تخلف کنند چراغ ره شرع را پُف کنند

(آزاد، ۱۱۸۴ هـ، بیت ۱۰۲۰۵)

شعر مقتبس از آیه ۸ از سوره صف/۶۱: يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ، است.» (دهخدا، ۱۳۹۵: ۲/۹۰۴)

قرآن کریم (متن غایب - پیش متن): قَالَ هَلْ أَمْنَكُم عَلَيْهِ إِلَّا كَمَا أَمَّتْكُمْ عَلَىٰ أَخِيهِ مِن قَبْلُ فَاللَّهُ خَيْرٌ حَافِظًا وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ. (القرآن/ ۱۲، یوسف/ ۶۴)
دلگشانامه (پسامتن - متن حاضر):

بود حافظ آن را که جان آفرین چه غم دارد از خنجری مشرکین

(آزاد، ۱۱۸۴ هـ، بیت ۹۸۶۹)

قرآن کریم (متن غایب - پیش متن): ... كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ. (القرآن/ ۲، البقره/ ۲۴۹) چه بسا گروه اندکی که به توفیق خدا بر گروه بسیاری پیروز شدند، و خدا با شکیبایان است. (انصاریان، ۱۳۹۴: ۴۱)

دلگشانامه (پسامتن - متن حاضر): با توجه به متن حماسی و ذکر جنگ‌ها و نبردهای گروه حق و باطل، شاعر از مضمون آیه ۲۴۹ سوره بقره بیش از سایر آیات الهام گرفته و رابطه بینامتنی الهامی با قرآن کریم برقرار کرده است.

به فضل جهان‌داورِ دادگر	ظفربخش کم بر فروزان نگر
به فضل ظفربخش کم بر زیاد	توکل نمود و دل از کف نداد
سپاه و سپهد زبان برگشاد	به شکر ظفربخش کم بر زیاد
بسی دیده‌ام ای مهترِ پاک‌زاد	سپاه کم آمد فزون بر زیاد

(آزاد، ۱۱۸۴ هـ، ابیات ۹۸۶۳، ۴۵۴۱، ۳۹۶۳ و ۳۶۱۹)

قرآن کریم (متن غایب - پیش متن): «يَا بَنِيَّ اذْهَبُوا فَتَحَسَّبُوا مِنْ يُوْسُفَ وَ اَخِيهِ وَ لَا تَايَسُوا مِنْ رُوحِ اللّٰهِ اِنَّهُ لَا يَايَسُ مِنْ رُوحِ اللّٰهِ اِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ». (القرآن/ ۱۲، یوسف/ ۸۷)
دلگشانامه (پسامتن - متن حاضر):

بگویم در آیین من چیست کفر ز فضل خدا نا امید است کفر

(آزاد، ۱۱۸۴ هـ، بیت ۹۷۸۶)

قرآن کریم (متن غایب - پیش متن): يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا. (القرآن / ۴، النساء / ۵۹)

دلگشانه‌نامه (پسامتن - متن حاضر):

سر از امر سلطان دین برنتافت چو حکم خدا، حکم او فرض یافت

(آزاد، ۱۱۸۴ هـ، بیت ۸۷۶۹)

قرآن کریم (متن غایب - پیش متن): وَالْقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعْلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ (القرآن / ۵۰، ق / ۱۶)

دلگشانه‌نامه (پسامتن - متن حاضر):

نهانی که بس آشکار است، اوست بسی دور از ما و با ماست، اوست

(آزاد، ۱۱۸۴ هـ، بیت ۷۵۳۷)

قرآن کریم (متن غایب - پیش متن): إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ. (القرآن / ۳۶، یس / ۸۲)

دلگشانه‌نامه (پسامتن - متن حاضر):

کند هرچه خواهد چنان یک نفس خدا نیست محتاج امداد کس

(آزاد، ۱۱۸۴ هـ، بیت ۵۲۳۰)

شاعر با ایجاد رابطه بینامتنی الهامی با آیه ۸۲ سوره یس به قدرت خداوند در آفرینش موجودات و هستی اشاره می‌کند.

قرآن کریم (متن غایب - پیش متن): فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا* إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا (القرآن / ۹۴، الشرح / ۵ و ۶): بی تردید با دشواری آسانی است.

دلگشانه‌نامه (پسامتن - متن حاضر):

ز هر رنج رو می‌دهد راحتی دگرگون شود حال هر ساعتی

به فضلش چه دشوار کاسان شود نگرید ازو هرکه خندان شود

(آزاد، ۱۱۸۴ هـ، ۴۹۵۲ و ۳۶۲۱)

قرآن کریم (متن غایب- پیش متن): وَ قَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ. (القرآن/ ۴۰، غافر/ ۶۰)

دلگشنامه (پسامتن- متن حاضر):

ز کارش گره وانشد هرکه را گشایی، گشاید چو دستِ دعا

(آزاد، ۱۱۸۴ هـ، بیت ۴۰۶۶)

قرآن کریم (متن غایب- پیش متن): إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا. (القرآن/ ۴۸، الفتح/ ۱)

دلگشنامه (پسامتن- متن حاضر):

مترسید از فوجِ ابنِ زیاد که خواهد خدا نصرت و فتح داد

(آزاد، ۱۱۸۴ هـ، بیت ۳۸۸۷)

قرآن کریم (متن غایب- پیش متن): وَ لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أحياءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ. (القرآن/ ۳، آل عمران/ ۱۶۹)

دلگشنامه (پسامتن- متن حاضر):

غم مردن و کشته گشتن مدار بو زنده، مقبولِ پروردگار

ز مرگی کزو زندگی یافتن توان کردن و سر توان تافتن

(آزاد، ۱۱۸۴ هـ، ابیات ۳۶۲۲ و ۲۴۷۱)

۴- بینامتنیت اشاره‌ای

در این نوع شاعر کلام خویش را بر پایه داستان و یا رویداد و یا نکته‌ای از زیر متن (متن غایب) بنا می‌نهد و فقط به ذکر یک یا چند نشانه در کلام که خواننده را به متن غایب رهنمون می‌سازد، اکتفا می‌نماید، به گونه‌ای که با الفاظی اندک معانی بسیاری به ذهن خواننده انتقال می‌یابد (راستگو، ۱۳۸۵: ۵۲). ویژگی این نوع رابطه بینامتنی، ایجاز و گردآوری معانی بسیار در الفاظی اندک است (طعمه‌حلبی، ۲۰۰۷: ۶۸). سراینده دلگشنامه نیز از این شیوه بینامتنی در فراخوانی رویدادها و مسائل مطرح شده در قرآن کریم بهره برده که اشاره به داستان‌ها و معجزات پیامبران همچون حضرت موسی (ع) پر بسامدترین هستند.

ز کلکم بداندیشِ دین، دل دو نیم چو جادو بود از عصایِ کلیم

(آزاد، ۱۱۸۴ هـ، بیت ۱۲۶۵۳)

شاعر با تشبیه مرکب و واژگان اشاره‌ای «جادو و عصای کلیم» بدخواهان دین را به اسباب و وسایل جادوگران و قلم اعجازآور خود را به عصای موسی مانند کرده است. اشاره دارد به معجزه حضرت موسی علیه‌السلام و تبدیل شدن عصای آن حضرت به اژدها و بلعیدن ایزار شعبده‌بازی ساحران فرعون. «... سرانجام موسی به مصر رفت و فرعون را به حق دعوت کرد. هنگامی که فرعون از موسی عاجز آمد او را به مبارزه با جادوگران خویش فراخواند. ساحران در مجلس فرعون مارهای خویش را به طرف موسی رها کردند. موسی به فرمان خداوند، عصای خود را بر زمین انداخت و آن عصا، اژدها شد و همه ماران ساحران را فرو بلعید». (شمیسا، ۱۳۷۳: ۵۶۰)

قرآن کریم: فَالْقَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ. (القرآن / ۷، الاعراف / ۱۰۴)

واژگان اشاره‌ای: جادو، عصا، کلیم.

بود قاتل مومنِ نیکنام به قولِ پیمبر در آتش مدام

(آزاد، ۱۱۸۴ هـ، بیت ۱۳۵۱۹)

قرآن کریم: وَ مَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِدًا فَجَزَاءُ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا وَ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ لَعْنَهُ وَ أَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا (القرآن / ۴، النساء / ۹۳). و هرکس مؤمنی را از روی عمد به قتل برساند، کیفرش دوزخ است در حالی که در آن جاودانه خواهد بود، و خدا بر او خشم گیرد، و وی را لعنت کند و عذابی بزرگ برایش آماده سازد. (انصاریان، ۱۳۹۴: ۹۳)

واژگان اشاره‌ای: قاتل، مؤمن، پیمبر، آتش.

به لب نام شمشیرِ او هرکه راند به گوشش قضا آیتِ مرگ خواند

(آزاد، ۱۱۸۴ هـ، بیت ۱۰۶۶۳)

قرآن کریم: «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ثُمَّ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ». (القرآن / ۲۹، العنکبوت / ۵۷)

واژگان اشاره‌ای: آیتِ مرگ.

ز بس گنج گفتی چو قارون نهان شتر در زمین می‌شود در زمان

ز مال جهان دستِ خواهش بگیر پی گنج دنیا چو قارون ممیر

(آزاد، ۱۱۸۴ هـ، ابیات ۶۳۰۷ و ۱۱۰۹۷)

قارون یکی از خویشان موسی بود. « إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَىٰ فَبَغَىٰ عَلَيْهِمْ » (سوره القصص ۲۸، آیه ۷۶). ثروت و گنج‌های قارون معروف است. گفته‌اند که قارون نزد موسی کیمیاگری آموخت و

از این راه ثروت بی‌کرانی اندوخت و سپس بر اثر این، مغرور شد. قارون در حالی که بر گنج خود نشسته بود به دعای موسی در اعماق زمین فرو رفت. گنج قارون پیوسته در درون زمین حرکت می‌کند و یا فرو می‌رود از این رو آن را گنج روان گفته‌اند. (شمیسا، ۱۳۷۳: ۴۵۴)

واژگان اشاره‌ای: گنج، قارون، در زمین رفتن.

ز آواز بوق و ز طبل آن چنان تزلزل درافتاد در ملکِ جان
تو گفتی سرافیلِ صور فنا دمد دمبدم در دم کَرنا

(آزاد، ۱۱۸۴ هـ، ابیات ۸۶۰ و ۸۶۱)

«... معمولاً برای اسرافیل دو صور ذکر می‌کنند: قبل از روز قیامت، با صور اول همه چیز نابود می‌شود. سپس اسرافیل بار دیگر در صور می‌دمد و این بار همه مردگان زنده می‌شوند؛ به طور کلی مراد از نفخ صور، نفخی است که بر اثر آن مردگان زنده می‌شوند و از این روی کنایه از روز قیامت است.» (شمیسا، ۱۳۷۳: ۱۰۸)

قرآن کریم: «و نُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ» (القرآن/ ۳۹، الزمر/ ۶۸) و «و نُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ». (القرآن/ ۳۶، یس/ ۵۱)

واژگان اشاره‌ای: سرافیل، صور فنا، دم.

۵- بینامتنیت تصویری

در این شیوه، سخنور تصویر خود را از قرآن به وام می‌گیرد و با خاتمه خیال تصویری شاعرانه بر صفحه سخن نقش می‌زند و سخن خویش را بر محور آن تصویر پی می‌ریزد؛ مثلاً نکته‌ای قرآنی را «مشبه» به تشبیه و تمثیل خود قرار می‌دهد (راستگو، ۱۳۸۵: ۶۱ و ۶۲). میرزا ارجمند با آوردن واژگان، ترکیبات، اسامی پیامبران و قصص قرآنی به صورت اضافه‌های تشبیهی، طرفین تشبیه، انواع ایهام به‌ویژه ایهام تناسب و خیال‌انگیزی شاعرانه به خوبی از شیوه تأثیرپذیری تصویری در مثنوی دلگشانه بهره جسته است.

شد از کار یکبارگی کوهِ طور چونان ز آتشِ دوم اندر تنور

(آزاد، ۱۱۸۴ هـ، بیت ۸۴۸۷)

در این بیت با تشبیه مرکب در مصراع اول به تجلی خداوند بر کوه و متلاشی شدن آن. «... فَلَمَّا تَجَلَّىٰ رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَ خَرَّ مُوسَىٰ صَعِقًا ...» (القرآن/ ۷، الاعراف/ ۱۴۳). و در مصراع دوم به

طوفان نوح اشاره دارد: «... سرانجام طوفان نوح از تنور زن نوح که پیر زنی بود ساکن کوفه آغاز شد...» (شمیسا، ۱۳۷۳: ۵۸۵). «حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ ...». (القرآن / ۱۱، هود / ۴۰) واژگان اشاره‌ای: طور، آتش، تنور.

کلیم آتش شهرت افروخته است ادای سخن را نیاموخته است
(آزاد، ۱۱۸۴ هـ، بیت ۹۷۳۸)

در این بیت منظور از کلیم، کلیم کاشانی از سخنوران نام‌آور سده یازدهم است. که شاعر با تفاخر خود را از لحاظ شعری قوی‌تر از او دانسته، از طرفی ایهام تناسب دارد به حضرت موسی، کلیم الله و مشاهده آتش در ناحیه کوه طور و حرکت موسی علیه‌السلام به سمت آتش، به امید پیدا کردن راه و آوردن آتش جهت گرم شدن همسرش؛ همچنین «آتش شهرت» اضافه تشبیهی است بنابراین شاعر یا خیال‌انگیزی و ایجاز در یک مصراع چند آرایه و نکته‌ی ادبی را جای داده و بینامتیت قرآنی نیز ایجاد کرده است.

به عینه، به دیوی که خاتم ربود ز دست سلیمان، بدان می‌نمود
(همان: بیت ۱۸۶۵)

در این بیت گرفتن غلام، انگشتی را از یوحنا به ربودن انگشتی سلیمان نبی توسط دیو تشبیه شده است.

به کف نیزه جان‌ربا را گرفت چو موسی عصا، ازدها را گرفت
(همان: بیت ۴۶۳۸)

با تشبیه مرکب و تأثیرپذیری تصویری از قرآن «نیزه به دست گرفتن ورقا» به «تبدیل شدن عصا در دست حضرت موسی به ازدها» مانند شده است.

اضافه‌های تشبیهی از قبیل: جبرئیل سخن (بیت ۲۶۳)، سلیمان خورشید (بیت ۵۰۲)، یوسف آفتاب (بیت ۱۶۶۸)، حقه حمد (بیت ۱۰۵۴۲) و ...

یکی از شگردهای سخن‌پردازی آزاد در دلگشنامه استفاده از صنعت ایهام تناسب برای گریزدن به داستان پیامبران است. در ابیات زیر «یونس» که از یاران مختار در نجات محمدحنفیه از بند زبیریان در مکه بوده، داستان حضرت یونس و گرفتار شدنش در شکم ماهی را یادآوری می‌کند؛ یا اینکه

سلیمان صرد خزاعی با استفاده از هم‌نام بودنش با سلیمان، داستان حضرت سلیمان و نگین انگشتری آن حضرت که به وسیله آن بر دیو و انس حکمرانی می‌کرده مطرح کرده یا همانام بودن ابراهیم فرزند مالک اشتر با خلیل الله بارها گریز زده به داستان حضرت ابراهیم و سرد شدن آتش نمرود بر آن حضرت.

برآمد ازان یونسِ رزمخواه ز ماهی ثناگویِ او تا به ماه

(آزاد، ۱۱۸۴ هـ، بیت ۱۳۴۱۲)

چو موران، سران راه، سلیمان صرد دران دشت، یکدست، پامال کرد

(همان، بیت ۶۰۹)

شنید از پسر تا سلیمان، چنین جهان دید در دستِ خود چون نگین

(همان، بیت ۲۳۵۶)

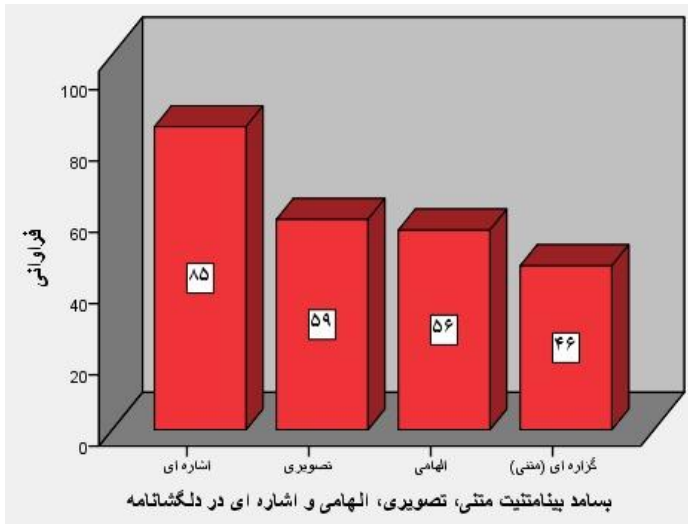
دلش در بر از هولِ آتشِ طپید به سویِ خلیلِ محبانِ دوید

(همان، بیت ۱۱۲۳۴)

و ابیات ۵۰۳، ۱۸۶۶، ۳۰۱۴، ۳۴۵۳، ۳۴۷۴، ۳۸۴۵، ۳۹۲۳، ۴۰۴۶، ۴۰۵۸، ۴۱۰۴، ۴۴۲۵، ۴۴۸۶

، ۴۵۰۲، ۵۵۱۶، ۶۰۱۸، ۶۰۷۵، ۶۰۸۴، ۶۲۵۴، ۶۴۱۲، ۶۵۲۲، ۶۵۶۱، ۶۵۷۲، ۶۶۳۹، ۶۶۴۸، ۶۷۹۲، ۶۸۰۹

، ۶۸۳۴، ۷۰۱۸، ۷۳۱۶، ۹۱۶۶، ۹۱۷۲، ۹۶۱۲، ۱۱۵۷۵، ۱۲۱۲۴، ۱۳۶۵۵، ۱۴۳۵۲ و ۱۵۴۲۲.



نتیجه

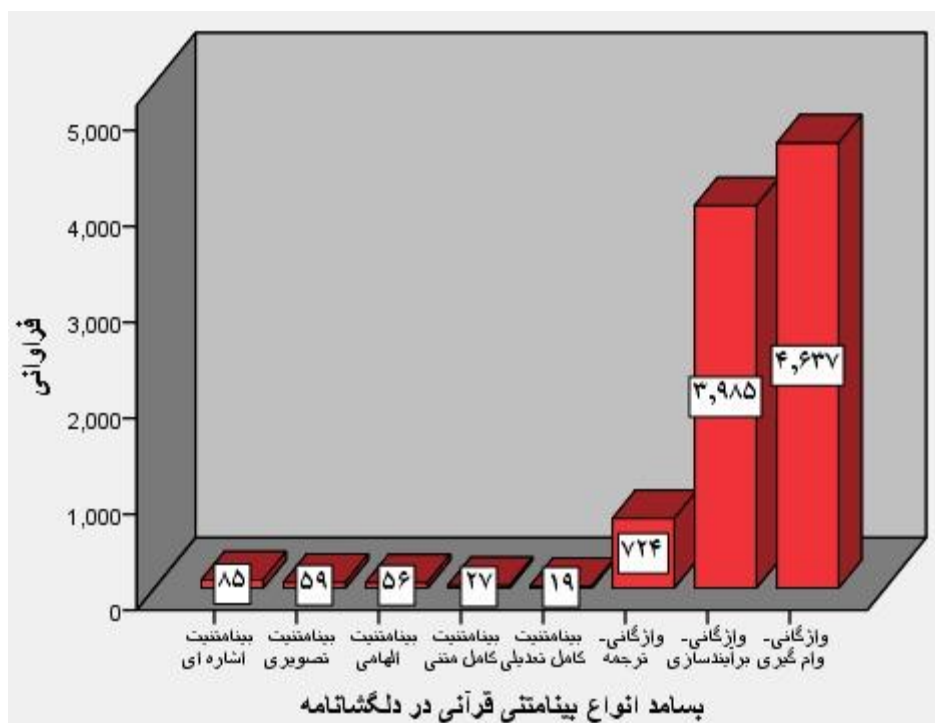
شاعران و نویسندگان پارسی‌گوی در آثار خود به شیوه‌های گوناگون از جمله رابطه بینامتنی از آیات و مفاهیم قرآنی بهره برده‌اند. آزاد نیز در منظومه دلگشنامه چه در اصول اعتقادی و چه در فضایل انسانی در بعد لفظی و محتوایی از قرآن کریم تأثیر پذیرفته است، و این امر نشانگر ایمان خالص و مأنوس بودن شاعر با کلام وحی است.

دلگشنامه یکی از آثار برجسته زبان فارسی است که در زمینه تاریخ تشیع در قالب مثنوی و بحر «مقارب مثنی محذوف (مقصور)» در ۱۵۴۴۲ بیت بر مبنای سبک خراسانی سروده شده است. محتوای این اثر تاریخی-ادبی، حوادث کوفه بعد از واقعه خونین عاشورا تا شهادت مختار را شامل می‌شود؛ در بخش‌هایی از این مثنوی به‌ویژه ساقی‌نامه‌ها و ذکر اصطلاحات حکمی و غنایی در پند و اندرز و بی‌وفایی دنیا، زبان حماسی و غنایی درآمیخته است. محتوای این اثر دارای ویژگی‌های سبک خراسانی از قبیل: لغات و ترکیبات قدیمی، کاربرد افعال در شکل کهن، استفاده از آرایه‌های ادبی، تشبیهات مفرد و حسی، کنایات قابل درک و ... است.

بینامتنیت قرآنی در دلگشنامه بیشتر در دو موضوع داستان‌های قرآنی و آیات و سوره‌های قرآن جلوه‌گراست. وی مفاهیم این داستان‌ها را گاهی بدون تغییر در جوهره اصلیشان و زمانی در راستای تناسب ظاهری با شخصیت‌های داستان مانند مطابقت اسمی سلیمان نبی با سلیمان سرد خزاعی و

ابراهیم اشتر با ابراهیم نبی به شکلی موافق و مبین مقصود خود به کار برده است. شاعر در بسیاری از بخش‌های این حماسه دینی- تاریخی اشاره مستقیم به متن آیه نکرده بلکه بنیاد آموزه‌های قرآن را در آفرینش فضای اشعار و حکایت‌ها به کار می‌گیرد. با توجه به موضوع اثر، لغات و ترکیبات قرآنی به- ویژه به صورت اعلام و اسامی خاص در این اثر راه یافته است.

تسلط کامل شاعر بر پیش‌متن (قرآن کریم)، سبب بکارگیری بینامتنی قرآنی به صورت گسترده در پسامتن گردیده است. به طوری که آزاد توانسته با مهارت زیاد و هنر شاعرانه به خوبی از مفاهیم، داستان‌ها، مضامین و نکات قرآنی در آراستگی کلامی و معنایی پسامتن (دلگشانامه) بهره گیرد و از آن در جهت ارائه تصاویر زیبای شاعرانه بر مخاطب استفاده نماید، این امر به ویژه در بینامتنیت تصویری، برآیندسازی و الهام‌گیری، گویای هنرمندی بالای شاعر است.



منابع

کتاب‌ها

۱. قرآن الکریم (۱۳۹۴)، با ترجمه حسین انصاریان، تهران: نشر پیروز.
۲. آزاد بلگرامی، میر غلامعلی (۱۳۱۱ق)، **دلگشاناامه (خطی)**، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۳. آزاد کشمیری، میرزا ارجمند محمد خلف ابوالقاسم عبدالغنی بیگ مت (۱۳۱۱ق)، **دیوان نامه دلگشا (خطی)**، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
۴. آزاد کشمیری، میرزا ارجمند (۱۳۱۱ق)، **دلگشاناامه (خطی)**، سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی.
۵. آلن، گراهام (۱۳۸۹)، **بینامتنیت**، ترجمه پیام یزدانجو، تهران: نشر مرکز.
۶. اته، هرمان (۱۳۳۷)، **تاریخ ادبیات فارسی**، ترجمه رضازاده شفق، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۷. حلبی، علی اصغر (۱۳۸۹)، **تأثیر قرآن و حدیث در ادبیات فارسی**، تهران: انتشارات اساطیر.
۸. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، **لغت‌نامه دهخدا**، چاپ دوم از دوره جدید (۱۵ جلدی)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۹. راستگو، محمد (۱۳۸۵)، **تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی**، تهران: انتشارات سمت.
۱۰. راشد محصل، محمدرضا (۱۳۸۹)، **پرتوهایی از قرآن و حدیث در ادب فارسی**، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
۱۱. راشد محصل، محمدرضا (۱۳۸۹)، **نام‌شناخت توصیفی منظومه‌های دینی فارسی**، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
۱۲. رزمجو، حسین (۱۳۸۱)، **قلمرو ادبیات حماسی ایران**، جلد ۱، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی؛ مشهد، سخن گستر.
۱۳. شمیسا، سیروس (۱۳۷۳)، **فرهنگ تلمیحات**، چاپ چهارم، تهران: انتشارات فردوس.

۱۴. شمیسا، سیروس (۱۳۷۴)، *آشنایی با عروض و قافیه*، ویرایش یازدهم، تهران: انتشارات فردوسی.

۱۵. شمیسا، سیروس (۱۳۷۸)، *نقد ادبی*، تهران: انتشارات فردوسی.

۱۶. صفا، ذبیح الله (۱۳۳۳)، *حماسه سرایی در ایران*، تهران: انتشارات امیرکبیر.

۱۷. صفا، ذبیح الله (۱۳۷۳)، *تاریخ ادبیات در ایران*، ویرایش چهارم، تهران: انتشارات فردوسی.

۱۸. صفوی، کوروش (۱۳۷۶)، *مناسبات بینامتنی*، گردآورنده: حسن انوشه، تهران: فرهنگنامه ادب فارسی.

۱۹. عادل، محمد رضا (۱۳۷۵)، *فرهنگ عبارت‌های عربی در شعر فارسی (تا جامی)*، تهران: انتشارات امیرکبیر.

۲۰. عزام، محمد (۲۰۰۱)، *تجلیات التناص فی الشعر العربی*، دمشق: اتحاد الكتاب العرب.

۲۱. عزیز، شکری ماضی (۲۰۰۵)، *فی نظریه‌الادب*، بیروت: المؤسسة العربیة للدراسات و النشر.

۲۲. محقق، مهدی (۱۳۷۴)، *تحلیل اشعار ناصر خسرو*، چاپ ششم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۲۳. معین، محمد (۱۳۸۷)، *فرهنگ فارسی معین (یک جلدی)*، تهران: انتشارات فرهنگ‌نما با همکاری انتشارات کتاب آراد.

۲۴. منزوی، احمد (۱۳۴۸)، *فهرست نسخه‌های خطی فارسی*، جلد ۴، تهران: مؤسسه فرهنگی منطقه‌ای، صص ۲۸۱۳-۲۸۱۴.

۲۵. منزوی، احمد (۱۳۷۴)، *فهرستواره کتاب‌های فارسی*، جلد ۳، تهران: انجمن آثار و مفاخر اسلامی.

۲۶. وفادار مرادی، محمد (۱۳۸۳)، «*فهرست کتب خطی کتابخانه آیت الله جلیلی (کرمانشاه)*»، مشهد: سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی.

مقالات

۲۷. روضاتیان، مریم و میرباقری فرد، سید علی اصغر (۱۳۹۰)، «*خوانش بینامتنی*، دریافت بهتر متون عرفانی»، *کاوش‌نامه زبان و ادبیات فارسی*، شماره ۲۳، صص ۸۹-۱۱۲.

۲۸. شمشیرگرها، محبوبه (۱۳۶۴)، «بررسی سبک‌شناسانه حماسه‌های دینی در ادب پارسی»، مجله تاریخ ادبیات، شماره ۳/۶۴، صص ۱۳۳-۱۶۰.

۲۹. طعمه‌حلیبی، احمد (۲۰۰۷)، «اشکال التناص الشعری شعر البیاتی نموذجاً»، مجله الموقف-الأدبی، العدد ۴۳۰، صص ۶۰-۸۳.

۳۰. قائمی، مرتضی و فاطمه محقق (۱۳۹۱)، «بینامتنی قرآنی در مقامات ناصیف یازجی»، دو فصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان رشته‌ای قرآن کریم، سال ۲، شماره ۲، صص ۵-۵۹.

۳۱. میرزایی، فرامرز و ماشا الله واحدی (۱۳۸۸)، «روابط بین متنی قرآن با اشعار احمد مطر»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی (دانشگاه شهید باهنر کرمان)، شماره ۲۵، صص ۲۹۹-۳۲۲.

پایان‌نامه

۳۲. زنگی‌آبادی، سعیده (۱۳۹۱)، «معرفی و بررسی اجمالی منظومه‌های حماسی تاریخی و دینی دوره صفوی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته زبان و ادبیات فارسی، کرمان: دانشگاه شهید باهنر.

Bibliography

33. QORAN AL-KARIM. 2015, Translated by Hossein Ansarian. Tehran: Piroz .
34. Azad Bilgrami, Mir Gholam Ali. 1719, Delgoshanameh(Linear). Library, Museum and Documentation Center of the Islamic Consultative Assembly.
35. Azad Kashmiri, Mirza Arjmand Mohammad Khalaf Abolghasem Abdul Ghani Big Matt. 1719, Diwanshah Delgoshah(Linear). Documents and National Library of the Islamic Republic of Iran.
36. Azad Kashmiri, Mirza Arjmand. 1719, Delgoshanameh(Linear). Organization of Libraries, Museums and Documentation Center of Astan Quds Razavi.
37. Azzam, Muhammad. 2001, Manifestations of intertextuality in Arabic poetry. Damascus: Arab Writers Union .

38. Allen, Graham. 2010, Intertextuality, translated by payam Yazdanjoo. Tehran: Scientific Publications .
39. Ate, Herman. 1958, History of Persian literature. Translated by Rezazadeh Shafaq. Tehran: Look at translating and publishing books .
40. Halabi, Ali Asghar. 2010, The influence of Quran and Hadith in Persian literature. 2 nd ed. Tehran: Asatir.
41. Dekhoda, Ali Akbar. 1998, Dekhoda Dictionary. Second edition of the new period (15 volumes). Tehran: University of Tehran.
42. Rastgu, Mohammad. 2006, Manifestation of Quran and Hadith in Persian Poetry. Tehran: Samt.
43. Rashid Mohsil, Mohammad Reza. 2010, Descriptive anonymity of Persian religious systems. Mashhad: Astan Qods Razavi .
44. Rashid Mohsil, Mohammad Reza. 2010, Rays of Quran and Hadith in Persian Literature. Mashhad: Astan Qods Razavi .
45. Razmjoo, Hussein. 2002, The realm of Iranian epic literature, C1. Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies.
46. Rozatian, Maryam And Mirbagheri Fard, Seyed Ali Asghar. 2011, "Intertextual reading, better understanding of mystical texts". Exploration of Persian Language and Literature. No. 23 , pp. 89-112.
47. Zangiabadi, Saeedeh. 2012, Introduction and overview of historical and religious epic systems of the Safavid period. Master Thesis, The field of Persian language and literature. Kerman: Shahid Bahonar University .
48. Samsirgarha, Mahboubeh. 1985, " A stylistic study of religious epics in Persian literature". Journal of the History of Literature. No. 3/64, p. 138.
49. Shamissa, sirous. 1994, Culture of allusions. 4 ed. Tehran: Ferdows.
50. Shamissa, sirous. 1995, Familiarity with pronouns and rhymes. 11 nd ed. Tehran: Ferdowsi.
51. Shamissa, sirous. 1999, Literary Criticism. Tehran: Ferdows.
52. Safa, Zabihullah. 1954, Epic writing in Iran. Tehran: Amir Kabir .
53. Safa, Zabihullah. 1994, History of Literature in Iran. 4 nd ed. Tehran: Ferdows.

54. Safavi, Kurosh. 1997, Intertextuality Occasions. Compiled by Hasan Anushe. Tehran: Daneshnameye Farsi. Encyclopedia of Farsi Literature (2). Printing and Publicatin Organization .
55. TouMAT Halabi, Ahmed. 2007. "Forms of poetic intertextuality al-bati poetry as a model". Al Mawqif Literary Journal. No. 430 , pp. 60-83 .
56. Adel, Mohammad Reza.1996, Dictionary of Arabic Phrases in Persian Poetry (to Jami). Tehran: Amir Kabir .
57. Aziz, Shokri mazi. 2005, In my opinion, literature. Beirut: The Arab Foundation for Studies and Publishing .
58. Qaemi, Morteza and Fatima Mohaqiqi. 2012. "Binamtni Qur'an Revolving Maqamat Nasif Yazji". Two specialized quarterly journals of interdisciplinary research of the Holy Quran. Year 2, No. 2 , pp. 5-59.
59. Mohaghegh, Mahdi. 1995, Analysis of Nasser Khosrow's poems. 4 ed. Tehran: University of Tehran.
60. Moin,Mohammad. 2008, Moin Persian Culture (one volume). Tehran: Farhangnameh Publications in collaboration with Arad Book Publishing .
61. Monzavi, Ahmad. 1969, List of Persian manuscripts, Volume 4. Tehran: Regional Cultural Institute.
62. Monzavi, Ahmad. 1995, Catalog of Persian books, Volume 3. Tehran: Association of Islamic Works and Honors.
63. Mirzaei, Faramarz and Mashaallah Vahedi.209. "Relationships between the text of the Quran and the poems of Ahmad Matar". Journal of the Faculty of Literature and Humanities (Shahid Bahonar University of Kerman). No. 25 , pp. 299-322 .
64. Vafadar Moradi, Mohammad. 2004, List of manuscripts of Ayatollah Jalili Library (Kermanshah). Mashhad: Organization of Libraries, Museums and Documentation Center of Astan Quds Razavi.

Study of Quranic intertextuality in Delgoshanameh Manuscript

Rahim Salamatazar¹

Hossein Novin² (corresponding Author)

Asgar Salahi³

Layered semiotics as a theoretical perspective that underlies a kind of applied semiotics, by relying on its theoretical foundations such as the study of syntagmatic relations, codes, and intertextuality, provides the basis for extensive analysis of texts such as the Qur'an that are within the context of interactive and multidimensional relationships between sign systems. Drawing on the science of layered semiotics, this descriptive-analytical research analyzed the codes of Surah Al-Masad in order to determine their implicit meanings and reveal the multiplicity of meanings of the semantic layers from their syntagmatic and intertextual relations with them. The research came to the following findings. The action codes show the actions of these characters, which has led to humiliation and fire. The actions are shaped by the only hermeneutic-enigmatic code of the surah that refers to Abū Lahab's wife. Other codes, such as cultural codes, indicate the historical document of this event, and semantic codes signify the attributes of hell-dwellers and their humiliation, while symbolic codes point to the role and interaction of marital relations that with their complementary and illuminating role emphasize not preferring the personal relationships to the rules, inefficiency and eternal losses of the fighters against the path of the truth and the uselessness of wealth and power against the wrath of God

Keywords: Intertextuality, Epic Literature, Religious System, Delgoshanameh, Quranic Concepts.

1. Ph.D. Student in Persian Language and Literature, Muhaqqiq Ardibili University

[DOI: [10.29252/PAQ.8.2.117](https://doi.org/10.29252/PAQ.8.2.117)]

2. Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Muhaqqiq Ardibili University

3 Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Muhaqqiq Ardibili University